

Recognizing the Problems of Couples Under the Auspices of the Relief Committee Experience During Divorce Process

Danesh M¹, *Nazari AM²

Author Address

1. PhD Candidate in Counseling, Counseling Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Bojnourd Branch, Bojnourd, Iran;

2. Associate Professor, Shahrood University of Medical Sciences, Shahrood, Iran.

Corresponding Author Email: Amnazari@yahoo.com

Received: 2020 July 15; Accepted: 2020 September 20

Abstract

Background & Objectives: The family is one of the most important social systems based on marriage between the opposite sexes. However, no relationship, including marriage, is smooth. In all relationships, there is conflict and negative emotions. As a result, problems in intimate relationships ultimately affect each party. High divorce rates in Iran and the world clearly show marital problems. Couples usually experience incompatibility in the early years of marriage because they have not yet achieved sufficient mutual harmony. One center that covers couples in Iran is the Imam Khomeini Relief Committee. Given the importance of marital relationships, effective methods should be used to prevent the adverse consequences of dysfunctional relationships, confusion and distress in families, divorce and family breakdown, and ultimately the breakdown of society. The importance of the family is felt in the individual and social life of human beings. Therefore, marriage can be considered one of the stages of human development.

Methods: This study sought to understand and recognize the mental experience of humans, so we employed a qualitative research design. Using a phenomenological approach, we conducted an in-depth study of the participants' mental experiences. The study's statistical population comprised all divorcing couples under the auspices of the Relief Committee in 2019. Fourteen couples from the Relief Committee were interviewed, and the relevant data were collected. In this method, MAXQDA software was used to analyze the qualitative data.

Results: Based on the results, 57 initial codes were identified out of 378 concepts. The results of axial coding revealed four categories of psychological and individual behavior (including a lack of self-confidence, suspicion and distrust, excessive psychological stress and anxiety, lack of motivation and enthusiasm for cohabitation, increased expectations, unrealistic expectations, and failure), socio-cultural category (including the elimination of the taboo of divorce in society, personality differences, early marriage, lack of support from married couples, quarrels, bad friends, the negative impact of media and social networks, differences in education), economic category (such as lack of financial support, weak government support policies, daily devaluation of money, problems with facilities, low income) and religious categories (such as non-adherence to moral and religious principles, atheism, weakness of religious beliefs, or reliance on God).

Conclusion: Based on the research findings, psychological and individual, cultural-social, economic, and religious factors are influential in marital problems of divorcing couples under the auspices of the Imam Khomeini Relief Committee. Therefore, by teaching conflict resolution management to divorcing couples, institutionalizing a culture of patience and compromise, and using reliable counseling centers, the scope of disputes and conflicts can be reduced and controlled.

Keywords: Marriage, Divorce, Couple's problems, The Relief Committee.

شناخت تجربه مشکلات زوجی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد

مهسا دانش^۱، *علی محمد نظری^۲

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران؛

۲. دانشیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران.

* رایانامه نویسنده مسئول: Amnazari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۲۵ تیر ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: تغییرات تکنولوژی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در تغییر کارکرد اولیه ازدواج شامل عشق، محبت و صمیمیت، سازگاری و ناسازگاری بین زن و شوهر، نقش اساسی داشته است. هدف این پژوهش شناخت تجربه مشکلات زوجی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد بود.

روش بررسی: این پژوهش در جست‌وجوی فهم تجربه ذهنی افراد بود و از این‌رو از پژوهش کیفی استفاده شد. استفاده از رویکردی پدیدارشناسی، بررسی عمیق تجربیات ذهنی مشارکت‌کنندگان را میسر کرد. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. بررسی چهارده نفر از زوج‌های کمیته امداد صورت گرفت و داده‌ها از طریق مصاحبه‌ها گردآوری شد. در این روش نرم‌افزار MAXQDA برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به کار رفت.

یافته‌ها: براساس نتایج، تعداد ۵۷ کد اولیه از میان ۳۷۸ مفهوم شناسایی شد. نتایج حاصل از کدگذاری محوری مشخص کرد، ۵۷ کد اولیه در قالب چهار مقوله روان‌شناختی و رفتار فردی (مانند نبود اعتماد به نفس، سوءظن و بی‌اعتمادی، استرس و نگرانی‌های روانی بیش‌ازحد، نداشتن انگیزه و شوق زندگی مشترک، بی‌بندوباری، سوءاستفاده از مهریه)، مقوله فرهنگی اجتماعی (مانند از بین رفتن قبح طلاق در جامعه، تفاوت‌های شخصیتی، ازدواج در سن کم، حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین، دعوا و مشاجره، دوستان ناباب، تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی)، مقوله اقتصادی (مانند نبود پشتوانه مالی، سیاست‌های حمایتی ضعیف دولت، وجود مشکلات دریافت تسهیلات، کم‌بودن میزان درآمد) و مقوله مذهبی (مانند پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی، بی‌اعتقادی و خدانترسی، سستی اعتقادات مذهبی، توکل نکردن به خدا) قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، عوامل روان‌شناختی و رفتار فردی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بر مشکلات زناشویی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد مؤثرند؛ بنابراین با آموزش مدیریت حل تعارض به زوجین در حال متارکه و نهادینه کردن فرهنگ صبر و سازش و استفاده از مراکز مطمئن مشاوره، می‌توان دامنه اختلافات و تعارضات را محدود و ایمن کرد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، طلاق، مشکلات زوجی، کمیته امداد.

سیستم خانواده در زمره سیستم‌های مهم‌تر اجتماعی است که براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است (۱). هیچ رابطه‌ای سیر آرامی ندارد. در همه روابط، تعارض و عواطف منفی وجود دارد؛ در نتیجه مشکلات در روابط صمیمی سرانجام زمانی هر فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲). آمارهای فعلی مشخص می‌کند، تقریباً ۵۰ درصد از ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. آمار زیاد طلاق نشانه بارز مشکلات زناشویی است (۳). بعضی از موضوع‌های شناخته شده‌ای که می‌تواند پدیدآورنده اختلاف‌های زناشویی باشد، پول، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی (گفت‌وشنود)، درگیری‌های کاری و مانند این‌ها است (۴).

بنابراین زوج‌ها در سال‌های اولیه ازدواج به دلیل اینکه هنوز به همسازی متقابل به قدر کافی دست نیافته‌اند، ناسازگاری^۱ بیشتری را تجربه می‌کنند؛ به خصوص اگر زوج‌ها در سنین کم باهم ازدواج کرده باشند که از عوامل بروز طلاق است (۵). ازدواج و رابطه زناشویی منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. به نظر برخی متخصصان هرکجا نبود توافق، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد، تعارض^۲ به وجود می‌آید (۶). از معضلات مهم‌تر زوجین مسائل مالی و اقتصاد خانواده است (۷). یکی از مراکزی که زوجین را تحت پوشش قرار می‌دهد، کمیته امداد امام خمینی است. زوجین تحت پوشش کمیته امداد با انواع معضلات به خصوص در آستانه تشکیل خانواده، مواجه هستند که از جمله آن نبود اشتغال یا کم درآمدی است. در این زمینه پژوهش‌ها نشان داده است، زنانی که تحت پوشش کمیته امداد هستند، مشکلاتی در شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی دارند؛ به عنوان مثال مشکلات مالی اقتصادی باعث کاهش رضایت زناشویی^۳ می‌شود (۸). درواقع به نظر می‌رسد، تأمین نیازهای اولیه به درآمد افراد و میزان پول بستگی دارد؛ بنابراین یکی از شاخص‌های اساسی که امکان دارد باعث مشکل زناشویی در زوجین تحت پوشش کمیته امداد شود، مسائل مالی است (۹).

مشکلات ارتباط زناشویی بیش از هر مقوله دیگری سبب ارجاع برای دریافت خدمات مشاوره‌ای شده است. باتوجه به اهمیت ارتباطات زناشویی و به منظور پیشگیری از پیامدهای نامطلوب ارتباط‌های ناکارآمد، سردرگمی و پریشانی خانواده‌ها، طلاق و ازهم‌گسیختگی خانواده‌ها و درنهایت ازهم‌گسیختگی جامعه باید از روش‌های مؤثری استفاده کرد (۱۰). شناسایی شاخص‌های تعیین‌کننده ارتباط زناشویی کارآمد، مسئله‌ای اساسی است. ارائه اطلاعات مفید و سودمند درباره ارتباط کارآمد می‌تواند به زوجین در برقراری رابطه‌ای حسنه، دوسویه و کارآمد که درجهت رشد و شکوفایی آنان باشد، کمک کند و ایجاد یا تداوم احساس‌های مخرب و منفی را در جریان رابطه زناشویی تا حدودی کاهش دهد (۱۱). همچنین به زوجین در حل تعارض و رفع مشکلات زناشویی، پرهیز از روابط منجر به شکست، کاهش ناامیدی،

خشم، احساس بی‌ارزشی، افسردگی و ناکامی و افزایش حس همدلی و شناخت بهتر از نیازها و تمایلات یکدیگر، افزایش رغبت به منظور تداوم رابطه زناشویی و درنهایت، کاهش تنش‌ها و سرخوردگی‌ها کمک می‌کند. بررسی عوامل دخیل در فروپاشی انسجام و سلامت ارتباط زناشویی به تنهایی توضیح نمی‌دهد که چگونه برخی از زوجین از ارتباط خوبی برخوردار هستند و برخی دیگر خیر (۱۲). نتایج پژوهش پیراک و همکاران مشخص کرد، باورهای نادرست یعنی نگرش نادرست به همسر، زندگی و اطرافیان یا آرمان‌گرایی در توقعات از آنان و نیز خودبرتربینی فرد، نه تنها موجب سختی در انتخاب و چه‌بسا انتخاب ناصحیح می‌شود، بلکه با ورود فرد به زندگی مشترک باعث دل‌سردی او از همسر و زندگی خواهد شد (۱۳). آسنجرانی و همکاران در پژوهشی دریافتند، بیشتر افراد درخواست‌کننده طلاق از زندگی جنسی خود رضایت ندارند؛ اما غالباً به علت حجب و حیا از بیان مشکلات جنسی خود به عنوان یکی از دلایل اصلی طلاق شرم می‌کنند (۱۴).

پژوهش حاضر درصدد بود با بررسی تجارب زوجین در حال متارکه، به ارائه معیارهایی بپردازد که در عمل بتواند ارتباط‌های زناشویی کارآمد و ناکارآمد را مجزا کند. باتوجه به اینکه جامعه ایران نیز در سال‌های اخیر با مشکل افزایش طلاق مواجه شده است، به منظور تأمین یک راه حل احتمالی، ضرورت این تحقیق ایجاب کرد که به دنبال مطالعه و شناسایی شاخص‌های ارتباط کارآمد زناشویی باشد و با مشخص کردن متغیرهای مرتبط با شکست و موفقیت در ارتباطات زناشویی، به منظور اعمال آن‌ها در برنامه‌های پیشگیرانه و مداخله‌های رشدی و درمانی جامعه اقدام کند. از آنجاکه جامعه بررسی شده در این پژوهش زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد بودند، بررسی شاخص‌های مالی و اقتصادی ممکن است دارای اهمیت بیشتری در برخورداری رضایت زناشویی باشد. درواقع مسائلی همچون اشتغال، درآمد، کیفیت روابط اجتماعی و پایگاه اجتماعی می‌تواند شاخص‌هایی باشد که در این کمیته بیشتر مدنظر قرار گرفته است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد انجام پژوهشی کیفی برای شناخت تجربیات مرتبط با مشکلات زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد ضرورت دارد. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر شناخت تجربه مشکلات زوجی در حال متارکه در زوج‌های تحت پوشش کمیته امداد بود.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر با هدف شناخت تجربیات مشکلات زوجی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد انجام شد. این پژوهش در جست‌وجوی فهم تجربه ذهنی افراد بود و از پژوهش کیفی برای آن استفاده شد. استفاده از رویکردی پدیدارشناسی، بررسی عمیق تجربیات ذهنی مشارکت‌کنندگان را میسر کرد. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد خراسان شمالی تشکیل دادند. بررسی چهارده نفر از زوج‌های کمیته امداد صورت گرفت و داده‌ها از طریق مصاحبه‌ها گردآوری شد. در این پژوهش، روش تحلیل محتوا و نرم‌افزار MAXQDA برای تجزیه و تحلیل داده‌ها

3. Marital satisfaction

1. Incompatibility

2. Conflict

به کار رفت. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: تمامی افراد به شکل کتبی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان

ثبت نشد.

۳ یافته‌ها

نتایج مربوط به توزیع فراوانی مشخصات دموگرافیک مشارکت کنندگان در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و مشخصات دموگرافیک مشارکت کنندگان

متغیر	سطح متغیر	فراوانی (درصد فراوانی)
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۶ (۴۲/۹)
	۳۱ تا ۴۰ سال	۵ (۳۵/۷)
	۴۱ تا ۵۰ سال	۳ (۲۱/۴)
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۸ (۵۷/۱)
	فوق دیپلم	۵ (۳۵/۷)
	کارشناسی	۱ (۷/۲)

پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه ساز طلاق، عوامل روان شناختی و رفتار فردی است. در این زمینه، مشارکت کنندگان در پژوهش، سستی و کاهش روابط زناشویی، نبود اعتماد به نفس، سوءظن و بی اعتمادی، تصمیم گیری نکردن عاقلانه و تصمیم گیری از روی احساس، استرس و نگرانی های روانی بیش از حد، نداشتن انگیزه و شوق زندگی مشترک، دیدگاه منفی و قضاوت ناعادلانه، افزایش انتظارات و توقع بیجا و سرکوفت، فقدان مهارت های زندگی، دعوا و پر خاشگری، جو بد و فشار روانی محیط زندگی، بی بندوباری، سوء استفاده از مهریه، کوتاه نگرایی و بی توجهی به آینده و پیشرفت، اعتیاد زوجین، تمام شدن تحمل و طاقت، نبود تعهد و مسئولیت پذیری در زندگی مشترک، بی وفایی و خیانت، نبود حمایت عاطفی و توجه همسر، کتک کاری و ضرب و شتم، بی ثباتی شخصیت و نداشتن توان تصمیم گیری، ناامیدی و افسردگی و خساست همسر را از عوامل سست کننده بنای خانواده شان ذکر کردند.

توصیف هایی از مصاحبه شوندگان چنین است:

«شوهرم از اول از من انتظار راحت بودن با او و نهایت نزدیکی را داشت. این خیلی مرا اذیت می کرد؛ البته بعدها خودش فهمید که باید آرام آرام به من نزدیک می شد و مراعات مرا می کرد؛ اما چه فایده؟! هر دوی ما حس بدی به هم پیدا کرده بودیم. من او را پررو و تند می دانستم که فقط مرا برای همین کارها می خواهد و او مرا تمکین ناپذیر و ناز پرورده. کاش از اول کسی به هر دوی ما شیوه صحیح این مسائل را یاد داده بود.»

«یاد گرفته بود که اگر اعتراضی کردم، سر دعوا و کتک کاری و چیز شکستن را باز کند که من جرئت مخالفت نداشته باشم و از او بترسم. من فقط گریه و زاری می کردم و تسلیم می شدم. من در برابر او نمی توانستم مقاومت کنم. او این طوری سلطه خودش را به من اثبات می کرد.»

– فرهنگی اجتماعی: بررسی مصاحبه های مشارکت کنندگان در پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه ساز طلاق، عوامل فرهنگی اجتماعی است؛ در این زمینه، مشارکت کنندگان در پژوهش ازدواج تحمیلی، رضایت نداشتن خانواده ها در ازدواج، نبود تعامل

پیش از انجام کدگذاری های اولیه و محوری، متن مصاحبه با زوجین پیاده شد. سپس لیست اولیه یا مضمون تم ها از ۲۵ پاسخ اولیه به سؤال ها بسط داده شد و این کار برای کدگذاری پاسخ های باقی مانده استفاده شد.

الف) کدهای اولیه: در ایجاد کدهای اولیه، نخست روی واحدهای معنادار داده با استفاده از نامی مفهومی برچسب زده می شود و سپس با استفاده از نام هایی انتزاعی تر، دسته بندی مفاهیم به دست آمده صورت می گیرد. در نتایج حاصل از کدگذاری باز داده های کیفی گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه، مشاهده شد که تعداد ۵۷ کد اولیه از میان ۳۷۸ مفهوم شناسایی شده است.

ب) کدگذاری محوری: در کدگذاری محوری، مقوله های جدا از هم در چهارچوبی معنادار در کنار یکدیگر قرار می گیرند و روابط میان آن ها، به ویژه رابطه مقوله محوری با سایر مقوله ها مشخص می شود. هدف این مرحله از کدگذاری، برقراری رابطه بین طبقه های تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل براساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند که فرایند ایجاد نظریه را به آسانی انجام دهد. کدگذاری محوری، منجر به ایجاد گروه ها و مقوله ها می شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار می گیرند (۱۵).

– اقتصادی: بررسی مصاحبه های مشارکت کنندگان در پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه ساز طلاق، عوامل اقتصادی است. در این زمینه، مشارکت کنندگان در پژوهش نبود پشتوانه مالی، سیاست های حمایتی ضعیف دولت، بی ارزش شدن روزانه پول، وجود مشکلات دریافت تسهیلات، فقر و مشکلات مالی، بی کاری، کم بودن میزان درآمد، تفاوت طبقاتی و سطح اقتصادی را از عوامل سست کننده بنای خانواده شان ذکر کردند.

توصیف هایی از مصاحبه شوندگان چنین است:

«ما تلاش زیادی کردیم که از بانک وام دریافت کنیم؛ اما هر کاری کردیم به ما وام و تسهیلاتی ندادند و این مشکلات مالی و بیکاری شوهرم خیلی بیشتر باعث شد زندگی مشترکمون از هم بپاشه.»

– روان شناختی و رفتار فردی: بررسی مصاحبه های مشارکت کنندگان در

ارزش‌های اخلاقی و دینی در سطح جامعه و نیز پایبند نبودن به ارزش‌های دینی در ارتباط با جنس مخالف بود. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تفاوت اعتقادات مذهبی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی، بی‌اعتقادی و خدانترسی، سستی اعتقادات مذهبی، توکل نکردن به خدا، اعتقادداشتن به حلال یا حرام و مشکلات چندهمسری را از عوامل سست‌کننده بنای خانواده‌شان ذکر کردند.

توصیف‌هایی از مصاحبه‌شوندگان چنین است: «زنم شروع به رفت‌وآمد با دوستانی کرد که اکثراً طلاق گرفته بودند و هیچ‌کدام هم سالم نبودند یا با دوستان نابابی که با وجود شوهر و بچه، دوست پسر داشتند تا بالاخره او را هم آلوده به این کار کردند.»

«از لحاظ جنسی من می‌خواستم او را ارضا کنم، بلکه دلش به من گرم شود؛ اما او حتی در اوج آن لحظات هم به فکر دوست پسر سابقش بود.»

در جدول ۲، مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم مشکلات زوجی زوجین در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد ذکر شده است.

اجتماعی مناسب، مقایسه و چشم و هم‌چشمی، ازبین رفتن قبح طلاق در جامعه، تفاوت‌های شخصیتی، ازدواج در سن کم، حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین، دعوا و مشاجره، فقر فرهنگی و تربیت بد خانوادگی، ازدواج مجدد، تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی، دوستان ناباب، نفوذ فرهنگ خارجی، ضعیف‌شدن ارزش‌های اخلاقی، دخالت خانواده و اطرافیان، اختلاف سطح تحصیلات، تفاوت سطح فرهنگی و دیدگاه و افکار و نبود شناخت کافی قبل از ازدواج را از عوامل سست‌کننده بنای خانواده‌شان ذکر کردند.

توصیفی از مصاحبه‌شوندگان چنین بود: «من اصلاً این تیپ آدم را از لحاظ فکری، شغلی و حتی ظاهری نمی‌پسندیدم؛ اما به اصرار بسیار زیاد راوی و خانواده‌ام، شوهرم را به خواستگاری راه دادم و سپس به اصرار شدید راوی و پدر و مادرم، مجبور به انتخاب او شدم. در آخر پدرم مرا قسم داد که قبول کنم.»

— مذهبی: بررسی مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مهم زمینه‌ساز طلاق، پایبند نبودن فرد و خانواده به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی است. تجارب افراد، گویای کم‌رنگ‌شدن

جدول ۲. مقوله‌های اصلی، فرعی و مفاهیم مشکلات زوجی زوجین در حال متارکه

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفاهیم (عوامل پیش‌بینی‌کننده)
مشکلات زوجی	اقتصادی	نبود پشتوانه مالی
		سیاست‌های حمایتی ضعیف دولت
		بی‌ارزش شدن روزانه پول
		وجود مشکلات دریافت تسهیلات
		فقر و مشکلات مالی، بیکاری
مشکلات زوجی	روان‌شناختی و رفتار فردی	کم بودن میزان درآمد
		تفاوت طبقاتی
		سطح اقتصادی
		سستی و کاهش روابط زناشویی
		نبود اعتماد به نفس
		سوءظن و بی‌اعتمادی
		تصمیم‌گیری نکردن عاقلانه و تصمیم‌گیری از روی احساس
		استرس و نگرانی‌های روانی بیش از حد
		نداشتن انگیزه و شوق زندگی مشترک
		دیدگاه منفی و قضاوت ناعادلانه
		افزایش انتظارات و توقع بیجا و سرکوفت
		فقدان مهارت‌های زندگی
		دعوا و پرخاشگری
		جو بد و فشار روانی محیط زندگی
		بی‌بندوباری
		سوءاستفاده از مهریه
		کوتاه‌نگری و بی‌توجهی به آینده و پیشرفت
		اعتیاد زوجین
		تمام‌شدن تحمل و طاقت
		نبود تعهد و مسئولیت‌پذیری در زندگی مشترک
بی‌وفایی و خیانت		

نیود حمایت عاطفی و توجه همسر
کتککاری و ضرب و شتم
بی ثباتی شخصیت و نداشتن توان تصمیم‌گیری
ناامیدی و افسردگی
خساست همسر

ازدواج تحمیلی
رضایت‌نداشتن خانواده‌ها در ازدواج
نبود تعامل اجتماعی مناسب
مقایسه و چشم و هم‌چشمی
ازبین‌رفتن قبح طلاق در جامعه
تفاوت‌های شخصیتی
ازدواج در سن کم
حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین
دعوا و مشاجره

فقر فرهنگی و تربیت بد خانوادگی
ازدواج مجدد
تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی
دوستان ناباب
نفوذ فرهنگ خارجی
ضعیف‌شدن ارزش‌های اخلاقی
دخالت خانواده و اطرافیان
اختلاف سطح تحصیلات
تفاوت سطح فرهنگی و دیدگاه و افکار
نبود شناخت کافی قبل از ازدواج

فرهنگی اجتماعی

مشکلات زوجی

تفاوت اعتقادات مذهبی
پایبندنبودن به اصول اخلاقی و مذهبی
بی‌اعتقادی و خدانترسی
سستی اعتقادات مذهبی
توکل نکردن به خدا
اعتقادنداشتن به حلال یا حرام
مشکلات چندهمسری

مذهبی

مشکلات زوجی

۴ بحث

خود را در ازدواج تحمیلی، رضایت‌نداشتن خانواده‌ها در ازدواج، نبود تعامل اجتماعی مناسب، مقایسه و چشم و هم‌چشمی، ازبین‌رفتن قبح طلاق در جامعه، تفاوت‌های شخصیتی، ازدواج در سن کم، حمایت‌نشدن از سوی خانواده‌های زوجین، دعوا و مشاجره، فقر فرهنگی و تربیت بد خانوادگی، ازدواج مجدد، تأثیر منفی رسانه و شبکه‌های اجتماعی، دوستان ناباب، نفوذ فرهنگی خارجی، ضعیف‌شدن ارزش‌های اخلاقی، دخالت خانواده و اطرافیان، اختلاف سطح تحصیلات، تفاوت سطح فرهنگی و دیدگاه و افکار و نبود شناخت کافی قبل از ازدواج نشان داد. یافته‌های این بخش با نتایج پژوهش پیراک و همکاران همسوست. آن‌ها دریافتند، باورهای نادرست یعنی نگرش نادرست به همسر، زندگی و اطرافیان یا آرمان‌گرایی در توقعات از آنان و نیز خودبتریبینی فرد، نه‌تنها موجب سختی در انتخاب و چه‌بسا انتخاب ناصحیح می‌شود، بلکه با ورود

در این پژوهش برای شناسایی عوامل مؤثر بر مشکلات زناشویی در زوج‌های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد، براساس مصاحبه با چهارده نفر از زوج‌های کمیته امداد، شناسایی عوامل مؤثر صورت گرفت. درنهایت، براساس معیارهای نهایی شناسایی‌شده، مدل برآمده از روش تحلیل محتوا ارائه شد. نتایج نشان داد، تعداد ۵۷ کد اولیه از میان ۳۷۸ مفهوم شناسایی شده است. نتایج حاصل از کدگذاری محوری مشخص کرد، ۵۷ کد اولیه در قالب چهار مقوله اقتصادی، روان‌شناختی و رفتار فردی، فرهنگی اجتماعی و مذهبی شناسایی شد. نتایج نشان داد، شاخص‌های مشکلات زوجی در زوجین در حال متارکه شامل چهار مقوله روان‌شناختی و رفتار فردی، مقوله فرهنگی اجتماعی، مقوله اقتصادی و مقوله مذهبی است. یافته‌های پژوهش نشان داد، عوامل فرهنگی اجتماعی سبب‌ساز طلاق،

فرد به زندگی مشترک، باعث دلسردی او از همسر و زندگی خواهد شد (۱۳).

کارشناسان بر این باور هستند که بسیاری از مشکلات و اختلالات خانوادگی از ضعف مجاری اطلاع رسانی، شتاب زدگی و انجام ندادن پژوهش های دقیق در مرحله گزینش، اعتماد بیجا به اظهارنظرهای واسطه ها و اطرافیان، جدی نگرفتن برخی نقاط ضعف مهم یا توجیه آن ها، بزرگ نمایی برخی ویژگی های غیرمهم، کم توجهی به اوصاف بایسته و در مواقعی فریب کاری و اغفال آگاهانه نشئت می گیرد (۱۶)؛ این همه ناشی از ناآگاهی فرد و خانواده از شیوه صحیح انتخاب است. همچنین یافته های این قسمت، با نتایج پژوهش آسنجرانی و همکاران مبنی بر اهمیت نگرش در شکل دهی رفتار فرد و عملکرد او در مقابل مسائل مختلف زندگی، لزوم تغییر نگرش های نامطلوب در جامعه و عوامل مؤثر بر آن از جمله همسانی فرهنگی بیشتر، همسوست (۱۴).

براساس یافته های پژوهش حاضر، از میان عوامل مذهبی سبب ساز طلاق می توان به پایبند نبودن فرد و خانواده به ارزش های مذهبی و اخلاقی، کم رنگ شدن ارزش های اخلاقی و دینی در سطح جامعه، پایبند نبودن به ارزش های دینی در ارتباط با جنس مخالف، تفاوت اعتقادات مذهبی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی و مذهبی، بی اعتقادی و خدانترسی، سستی اعتقادات مذهبی، توکل نکردن به خدا، اعتقادداشتن به حلال یا حرام و مشکلات چندهمسری اشاره کرد. در این راستا، پیراک و همکاران نشان دادند، نداشتن تفاهم اخلاقی، اختلاف عقیدتی دینی، وضعیت شغلی همسر، مشکلات مادی، دخالت خانواده همسر، بدبین بودن همسر، بیماری خاص همسر، عصبی بودن همسر، کتک کاری، اختلاف طبقاتی و نبود رضایت جنسی با ناسازگاری خانوادگی زوجین رابطه معناداری دارد (۱۳). بررسی یافته ها مشخص کرد، مجموع عوامل به طور مستقیم و نیز غیرمستقیم و از طریق ایجاد بستر برای بروز سایر عوامل در وقوع طلاق مؤثر است؛ طلاق فرایندی است که به تدریج به دنبال ناآگاهی از روابط صحیح زناشویی، بی توجهی عاطفی و جنسی، ضعف اعتقادات فرهنگی و مشکلات اقتصادی به وقوع می پیوندد. اعتیاد، پدیده شوم اجتماعی است که سلامت جسم و روان و استحکام خانواده را به خطر می اندازد. دوران جوانی اگر با مشکلات رفتاری و ناسازگاری های اجتماعی همراه باشد صدمات جبران ناپذیری را به ساختار خانواده وارد می کند.

همچنین براساس یافته های پژوهش حاضر، عامل دیگر سبب ساز طلاق، عامل اقتصادی بود. نوع تفکر و نگاه فرد به مسائل اقتصادی، تعیین کننده مشی اقتصادی وی است و اختلاف در فرهنگ اقتصادی زوجین خود به اختلال در روابط آنان منجر می شود؛ این همه ناشی از تغییرات فرهنگی در دو دهه گذشته بوده که تأثیرات عمیقی در رفتار اقتصادی و انتظارات عمومی داشته است (۱۰). نوع تعامل خانواده و زوجین می تواند نقش مهمی در پایداری زندگی زناشویی زوجین یا برعکس در تزلزل و انحلال آن ایفا کند؛ برای مثال، شیوع بیماری های روانی، ضرب و شتم، مشکلات اقتصادی و حتی اعتیاد که به شدت در میان عوامل طلاق کثرت دارد، اگرچه خود می تواند عوامل مستقلی برای بروز طلاق باشند، تأثیر فرهنگ حاکم بر جامعه در پیدایش، تشدید و کثرت آن ها غیرقابل اغماض است. درمجموع، می توان نتیجه

گرفت، مجموعه عوامل فرهنگی ناشی از فرهنگ جامعه، خانواده و فرد، به شایسته انتخاب نکردن و شایسته ادامه ندادن زندگی مشترک منجر می شود. این امر، فرد و جامعه را با آسیب ها و پیامدهای مخرب و متعدد فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مواجه می کند که حل کردن هریک از آن ها آسان تر از حل معضل طلاق نیست (۱۱).

می توان گفت که اگرچه حذف تمامی مشکلات از زندگی های زناشویی امری محال است، با آموزش مدیریت حل تعارض به دختران و پسران و زوجین و نهادینه کردن فرهنگ صبر و سازش و استفاده از مراکز مطمئن مشاوره، می توان دامنه اختلافات و تعارضات را محدود و ایمن ساخت (۱۴). از سویی، تأثیر روابط جنسی بر استحکام زناشویی به قدری است که برخی ابراز کرده اند با وجود علاقه بسیاری که به همسر خود دارند، دیگر قادر به ادامه زندگی با او نیستند؛ زیرا او همواره از برقراری رابطه جنسی طفره می رود. درمجموع، می توان نتیجه گرفت که مجموعه عوامل فرهنگی ناشی از فرهنگ جامعه، خانواده و فرد، به شایسته انتخاب نکردن و شایسته ادامه ندادن زندگی مشترک منجر می شود. این امر، فرد و جامعه را با آسیب ها و پیامدهای مخرب و متعدد فردی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مواجه می کند که حل کردن هریک از آن ها آسان تر از حل معضل طلاق نیست؛ پس بجا است با ایجاد یک تولید واحد و متمرکز در امر ازدواج و طلاق در کشور، با رصد مستمر مسائل و اتخاذ سیاست های راهبردی جامع نگر، دقیق و کاربردی به اصلاح، ارتقا و استحکام نهاد خانواده پرداخته شود (۱۰).

۵ نتیجه گیری

براساس یافته های پژوهش نتیجه گرفته می شود، عوامل روان شناختی و رفتار فردی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی بر مشکلات زناشویی در زوج های در حال متارکه تحت پوشش کمیته امداد مؤثرند؛ بنابراین اگرچه حذف تمامی مشکلات از زندگی های زناشویی امری محال است، با آموزش مدیریت حل تعارض به دختران و پسران و زوجین و نهادینه کردن فرهنگ صبر و سازش و استفاده از مراکز مطمئن مشاوره، می توان دامنه اختلافات و تعارضات را محدود و ایمن کرد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در این پژوهش ما را یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی می شود.

۷ بیانیه ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت نامه از شرکت کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد است. همچنین مجوز اجرای پژوهش حاضر بر گروه مطالعه شده از مرکز مشاوره شهر بجنورد با شماره نامه ۷۱ صادر شده است. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: تمامی افراد به شکل کتبی اطلاعاتی درباره پژوهش دریافت کردند و در صورت تمایل در آن مشارکت کردند؛ این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد؛ به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان

ثبت نشد.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

References

1. Adamsons K. Handbook of family theories: a content-based approach. *Journal of Family Theory & Review*. 2015;7(4):520–2. <https://doi.org/10.1111/jftr.12121>
2. Ahmad S, Reid DW. Relationship satisfaction among South Asian Canadians: the role of 'complementary-equality' and listening to understand. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*. 2008;2(2):131–50.
3. Bali A, Dhingra R, Baru A. Marital adjustment of childless couples. *Journal of Social Sciences*. 2010;24(1):73–6. <https://doi.org/10.1080/09718923.2010.11892839>
4. Bélanger C, Di Schiavi M-F, Sabourin S, Dugal C, El Baalbaki G, Lussier Y. Self-esteem, coping efforts and marital adjustment. *Eur J Psychol*. 2014;10(4):660–71. <https://doi.org/10.5964/ejop.v10i4.807>
5. Bodenmann G, Ledermann T, Bradbury TN. Stress, sex, and satisfaction in marriage. *Personal Relationships*. 2007;14(4):551–69. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2007.00171.x>
6. Priyadharshini S, Gopalan RT. Marital adjustment, love, personal intimacy, personality, dyadic coping and spirituality on marital stability. *Asian Journal of Advanced Research and Reports*. 2020;7(4):1–16. <https://doi.org/10.9734/ajarr/2019/v7i430186>
7. Robson SM, McCullough MB, Rex S, Munafò MR, Taylor G. Family meal frequency, diet, and family functioning: a systematic review with meta-analyses. *Journal of Nutrition Education and Behavior*. 2020;52(5):553–64. <https://doi.org/10.1016/j.jneb.2019.12.012>
8. Zare B, Safyari Jafarabad H. The study of marital satisfaction and its determinants on married women and men in Tehran city. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2015;13(1):111-40. doi: [10.22051/jwsps.2015.1940](https://doi.org/10.22051/jwsps.2015.1940)
9. Salimi Bajestani H, Rahimi R, Farahbakhsh K, Asgari M. Financial conflicts and compatibility in dual-career couples: a phenomenological study. *Social Welfare Quarterly*. 2020;20(76):39-86. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-3490-fa.html>
10. Ghasemi F, Askarizadeh G, Mosavi-Nasab SM. Relationship of personality traits, religious attitude and sexual satisfaction with tendency towards divorcee in paramedic females. *Journal of Research on Religion & Health*. 2020;5(4):20–33. [Persian] <https://doi.org/10.22037/jrrh.v5i4.19860>
11. Samadaee Gelehkolae K, McCarthy BW, Khalilian A, Hamzehgardeshi Z, Peyvandi S, Elyasi F, et al. Factors associated with marital satisfaction in infertile couple: a comprehensive literature review. *Global Journal of Health Science*. 2015;8(5):96–109. <https://dx.doi.org/10.5539/gjhs.v8n5p96>
12. Sorokowski P, Randall AK, Groyecka A, Frackowiak T, Cantarero K, Hilpert P, et al. Marital Satisfaction, Sex, Age, Marriage Duration, Religion, Number of Children, Economic Status, Education, and Collectivistic Values: Data from 33 Countries. *Front Psychol*. 2017;8:1199. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01199>
13. Pirak A, Negarandeh R, Khakbazan Z. Post-divorce regret among Iranian women: a qualitative study. *International Journal of Community Based Nursing & Midwifery*. 2019;7(1). <https://dx.doi.org/10.30476/IJCBNM.2019.40848>
14. Asanjarani F, Jazayeri RS, Fatehizade M, Etemadi O, Demol J. Exploring factors affecting post-divorce adjustment in Iranian women: A qualitative study. *Social Determinants of Health*. 2017;3(1). <https://doi.org/10.22037/sdh.v3i1.17705>
15. Mesbahi Jahromi N, Mirabi VR, Mohebi S, Bagheri M. Identify gaps in the implementation of social commerce among start-ups. *Intelligent business management studies*. 2019;7(30):163-88. <http://ensani.ir/file/download/article/1593826829-9859-30-7.pdf>
16. Filipović S, Vukosavljević-Gvozden T, Opačić G. Irrational beliefs, dysfunctional emotions, and marital adjustment: a structural model. *Journal of Family Issues*. 2016;37(16):2333–50. <https://doi.org/10.1177/0192513X15572384>